



انسپیه حیدرزاده هر سال با راه اندازی کاروان تجربه های شخصی خود از پیاده روی اربعین را با زائران سهیم می شود

حلاوت خدمت در جاده های کربلا

صندوق
خاطرات

حالا طی این سال ها جواب آن سؤالم را پیدا کرده ام. وقتی عاشق باشی، سختی و خستگی و مشکل بی معناست. من در این سفر آدم هایی را می بینم که با وجود معلولیت خودشان را روی زمین می کشند تا به کربلا برسند، و مردمانی که همه وجودشان را وقف زائران کرده اند.

حین گفت و گو، لبخند از چهره اش محو می شود و صدایش با بغض همراه می شود و می گوید: نکته مهم این است که همه در این راه چشمشان به جز امام حسین (ع) کس دیگری را نمی بیند. برای همین آدم ها کنار هم احساس امنیت می کنند.

● سختی مسیر هم لذت بخش است

اربعین امسال با نگرانی هایی همراه بود. جنگ تحمیلی و حملات به جنوب کشور، برای بعضی ها دغدغه ایجاد کرده بود. اما این نگرانی ها نتوانست تصمیم زائران اربعین را تغییر دهد. انسپیه خانم می گوید: وقتی زمان مرگ فرا برسد، فرقی نمی کند کجا باشی؛ در خانه یا در مسیر کربلا.

او در کنار این سختی ها، از مهمان نوازی مردم عراق نیز با احترام یاد می کند و می گوید: امسال هم عراقی ها سنگ تمام گذاشتند؛ هم از نظر تنوع و فراوانی غذا و هم از نظر محبت. اما چیزی که بیشتر از همه برایم ارزش داشت، این بود که می دیدم رئیس یک عشیره خودش ایستاده است و از زائران پذیرایی می کند. این صحنه ها نشان می دهد خدمت به زائر امام حسین (ع) برای آن ها افتخار است.

سفری که برایم حال و هوایی متفاوت داشت. تصاویر رهبر شهید و شهیدای جنگ تحمیلی سوم در موکب ها، پرچم های ایران و حضور پرشور مردم، فضای اربعین را متفاوت کرده بود؛ جوری که انگار اجتماعات شبانه ای که در ایران داشتیم هم در اینجا راه افتاده بود.

● عشق خستگی ناپذیر در راه کربلا

همه این سفرها برای انسپیه خانم خاطره است. او می خندد و می گوید: خاطرات اولین سفرم را فراموش نمی کنم. حالم خوب نبود. گیج در موکب نشسته بودم. می دیدم خادمان آنجا یکسره کار می کنند. صبحانه و ناهار و شام می دادند. با خودم می گفتم چرا آشپز خسته نمی شود و این همه کار می کند؟ اما



صفائی اهر سال اربعین دلش برای نجف و کربلا تنگ می شود. انگار که یک حفره خالی در وجودش هست که فقط با قدم گذاشتن در این مسیر پر می شود. انسپیه حیدرزاده، فعال فرهنگی مسجد سناباد، این روزها از سفر اربعین برگشته است. او حالا پس از هشت بار حضور در پیاده روی اربعین و پنج سال همراهی زائران در قالب کاروان، از تجربه ای می گوید که هر بار رنگ و بوی تازه ای پیدایم کند: تجربه ای که در آن خستگی، ترس و سختی، زیر سایه عشق به امام حسین (ع) رنگ می بازد و جای خود را به همدلی، ایثار و آرامش می دهد.

● دنیایی فراتر از شنیده ها

هفته سال پیش، زمانی که انسپیه خانم فقط ۲۶ سال داشت، اولین بار راهی پیاده روی اربعین شد. پیش از آن، شنیدن سخنرانی های حجت الاسلام والمسلمین پناهیان در باره عظمت این مسیر، او را به پیاده روی اربعین ترغیب کرده بود. اما آنچه در جاده نجف تا کربلا دید، فراتر از همه شنیده هایش بود. حیدرزاده می گوید: همان سفر اول فهمیدم چرا این همه از پیاده روی اربعین می گویند. حال و هوایی داشت که در هیچ سفر دیگری تجربه نکرده بودم. او پس از چند بار حضور در این مراسم، تصمیم گرفت تجربه خود را با دیگران سهیم شود و از سال ۱۴۰۰ بار راه اندازی کاروان، پنج سال است که زائران را در این مسیر همراهی می کند. این ساکن محله سعدآباد تعریف می کند: امسال برای هشتمین بار به این سفر رفتم؛

دختران نوجوان با شرکت در پاتوق فرهنگ سرای حجاب تجربه متفاوتی از مطالعه گروهی را رقم می زنند

نقش آفرینی برای فهم بهتر کتاب



عیدگاه

برایم جذاب بود. چون تا حالا کتابی نخوانده بودم که هنگام مطالعه از من بخواهد کلمات را تغییر بدهم یا برای حل چالش هایش فکر کنم. در بخش دیگری از برنامه، بچه ها ماسک شخصیت های داستان را بر صورت می گذارند و خود را جای آن ها تصور می کنند. این نقش آفرینی، فضای کتاب را برایشان ملموس تر می کند و ارتباط بیشتری با داستان برقرار می کنند.

● پاتوقی برای دوستی با کتاب

فائزه چشمه سنگی، مدیر فرهنگ سرای حجاب، هدف از برگزاری این پاتوق را آشنایی کودکان و نوجوانان با کتاب و فضای کتابخانه بیان می کند و می گوید: این برنامه برای دختران ۹ تا ۱۳ سال طراحی شده است تا با کتاب خوانی انس بگیرند و به سراغ کتاب های مناسب گروه سنی خود بروند. تلاش می کنیم پاتوق خوانش کتاب را به صورت هفتگی در فرهنگ سرای حجاب ادامه دهیم و کنار آن برای علاقه مندان نمایشگاه کوچکی از کتاب راه می اندازیم تا بتوانند از انتشارات مد نظرشان خرید کنند.

خیالی «چیزی» مبتلا شده است و هنگام صحبت مدام از واژه «چیز» استفاده می کند. شرکت کنندگان باید با پیدا کردن واژه های درست، به شخصیت داستان کمک کنند. اجرای پانتومیم با اصطلاحات کتاب و استفاده از واژه های مناسب به جای «چیز» نیز از بخش های جذاب این برنامه است. به گفته جابری، مجموعه «دهه نودی ها» در چند جلد برای این گروه سنی نوشته شده و قرار است به زودی پاتوق های دخترانه دیگری نیز براساس این کتاب برگزار شود. هم زمان نمایشگاهی از کتاب های این انتشارات و آثار مناسب نوجوانان نیز در فرهنگ سرای برپا شده است.

● چالشی متفاوت برای کتاب خوان ها

آنتن تری سیزده ساله که پیش از این کتاب «دهه نودی ها» را خوانده است، می گوید: اولین بار در اجتماع شبانه محله ایثارگران با این کتاب آشنا شدم. تصویر روی جلد تو جهم را جلب کرد. او ادامه می دهد: این کتاب باعث می شود بیشتر مطالعه کنیم و درباره محیط اطرافمان آگاهی داشته باشیم. دایره واژگانمان هم گسترده تر می شود. بعد از خواندن کتاب، آن را به دوستانم معرفی کردم و با هم چالش هایش را حل کردیم. نگار کاخکی دوازده ساله هم به علاقه اش به کتاب اشاره می کند و می گوید: کتاب خواندن به من آرامش می دهد. شرکت در این برنامه

صدرا صدای خنده و گفت و گوز میان قفسه های کتابخانه به گوش می رسد. دختران نوجوان دور میز وسط کتابخانه جمع شده اند و با کمک هم چالش کتابی را حل می کنند که با هم خوانده اند. یکی باید به جای واژه «چیز» کلمه مناسب پیدا کند. دیگری با پانتومیم، شخصیت های کتاب را معرفی می کند و چند نفر هم برای پاسخ دادن به سؤال های داستان با هم فکر می کنند. اینجا خبری از کلاس های معمول کتاب خوانی نیست؛ کتاب، بهانه ای برای بازی، گفت و گو و کشف دنیای واژه ها شده است. کتابخانه فرهنگ سرای حجاب هفته گذشته میزبان پاتوق خوانش کتاب ویژه دختران ۹ تا ۱۳ سال بود؛ برنامه ای که با همکاری انتشارات لیبیک برگزار شد و تلاش داشت کتاب خوانی را از یک فعالیت فردی به تجربه ای گروهی و هیجان انگیز تبدیل کند. در این برنامه، شرکت کنندگان بخشی از کتاب «دهه نودی ها» را خواندند و هم زمان با شخصیت های داستان همراه شدند.

● از پانتومیم تا مبارزه با «چیزی»

زهرآجایی، از نویسندگان انتشارات لیبیک، درباره این شیوه خوانش می گوید: هدف ما فقط معرفی کتاب نیست. بخشی از داستان را می خوانیم تا بچه ها با فضای آن آشنا شوند و بعد در قالب بازی و فعالیت های گروهی، چالش های کتاب را حل کنند. او توضیح می دهد: یکی از شخصیت های داستان به بیماری